



مرتضی ادیب،
دکتری معماری، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی
morteza.adib@gmail.com

Morteza Adib, Ph.D in Architecture,
Shahid Beheshti University

با مطالعه و مقایسه معانی گوناگون منظر دو وجه مهم را می‌توان در تعریف آن مورد توجه قرار داد. نخست اشاره به مکانی خاص و از سوی دیگر بیانی از یک فرهنگ. با توجه به این دو مفهوم منظر را می‌توان در گام نخست در نوع شناخت و درک یک محیط یا مکان طبیعی و نگرش انسان به آن و در گام بعد در چگونگی تأثیر این نگرش در خروج از حالت کاملاً بکر، به صورت فضای انسان ساخت جستجو کرد. لذا تمامی این فرایندها به نوعی فرهنگی است. هرچند به نظر تعریف ارایه شده از منظر فرهنگی به عنوان محصول تکامل زندگی انسان با محیط در طول تاریخ و استفاده از آن در موارد ذکر خاص ذکر شده، بیشتر بر جنبه‌های فیزیکی تأثیر فرهنگ در محیط تأکید می‌کند، اما این مفهوم چنان گستره‌ای دارد که بخش زیادی از آنچه در ادبیات حرفه‌ای به نام منظر شناخته می‌شود را پوشش می‌دهد.

لذا به کارگیری مفهوم منظر فرهنگی در ادبیات دانشگاهی و حرفه‌ای همچنان دچار پیچیدگی و ابهام باقی مانده است؛ چراکه به کارگیری این مفهوم تنها برای موارد برجسته و میراثی تمدن بشری که به درستی می‌تواند «منظر میراثی» نامیده شود، به شدت دامنه آن را محدود و تضعیف می‌کند. در عین حال به کارگیری آن در مورد هرگونه تغییر انسانی در محیط و به عنوان مفهومی عام، به ویژه با دقت بیشتر در مفهوم فرهنگ نادرست خواهد بود.

You can consider landscape both as a natural environment or a manmade setting shaped out of the attitude of man toward it, considering that the concept of "cultural landscape" includes the physical aspects of this effect more while this concept is unclear in academic professional literature; since the implementation of this concept in special heritage and civilization cases that can properly be called "heritage landscape", strictly limits and undermines its scope. Nevertheless, utilizing it for any manmade change in the environment as a general sense will be incorrect especially with more precision in the concept of culture.

منظر میراثی به جای منظر فرهنگی؟

"منظر فرهنگی" اصطلاحی است که مجامع مرتبط با میراث فرهنگی برای تشریح اهمیت نمونه‌های شاخص تمدن انسانی، آن را به کار برده‌اند. "محصولی از تکامل زندگی انسان با محیط در طول تاریخ" مهم‌ترین بخش تعاریفی است که برای منظر فرهنگی ارایه شده است. از سوی دیگر منظر، که به تشخیص اجلاس Uniscape 2013 یک دیسیپلین شناخته می‌شود، به بخشی از زمین که در طول زمان توسط نیروهای انسانی و طبیعی شکل می‌گیرد، اطلاق می‌شود. روشن است به کارگیری دو اصطلاح منظر فرهنگی و منظر برای تعریف یک پدیده واحد نمی‌تواند درست باشد.

اگر واژه فرهنگی صفت منظر قلمداد شود، با توجه به آنکه در تعریف منظر، هیچ منظره‌ای نمی‌تواند بی‌ارتباط با انسان باشد، این صفت مشخص‌کننده هیچ گروه از منظرها نخواهد بود؛ زیرا هر منظر، فرهنگی است.

تحلیل مصداق‌های مختلف منظر فرهنگی نشان می‌دهد نظر استفاده‌کنندگان نمونه‌های برجسته در تمدن انسان‌ها بوده است؛ شالیزارهای اندونزی، دیوار چین، اهرام مصر، پرسپولیس ایران و استون‌هنج انگلستان نمونه‌های مهم منظر فرهنگی معرفی شده‌اند که در حقیقت میراث‌های مهم جهانی یا تمدنی به حساب می‌آیند. در نتیجه بهتر است به جای "منظر فرهنگی"، از اصطلاح "منظر میراثی" استفاده شود.

پیشنهاد جایگزینی عبارت منظر میراثی با گروهی از متخصصان و کارشناسان حوزه منظر در میان گذارده شد. از میان اساتید و کارشناسان داخلی و خارجی عده‌ای به این چالش پاسخ داده‌اند.



سایمون بل، استاد معماری منظر،
دانشگاه ادینبورگ
S.bell@ed.ac.uk

Simon Bell, Senior Researcher,
OPENSpace Research Centre,
Edinburgh College of Art

به عقیده من تمامی مناظر، منظر فرهنگی هستند. حتی کره ماه که در آن آثاری از فعالیت انسان برجای مانده است. جدا کردن مناظر فرهنگی از مناظر طبیعی امری بیهوده است، چراکه مناظر طبیعی نیز به جز در مواردی (ایسلند، نیوزیلند، قطب جنوب و چند جزیره کوچک) پس از آخرین عصر یخبندان دستخوش تغییر شده است. با این وجود بسیاری از مناظر حاوی مقادیر بیشتری یا کمتری از مؤلفه های طبیعی یا فرهنگی هستند و در درجات کمتر یا بیشتری تحت تأثیر فرایندهای طبیعی یا فرهنگی قرار گرفته اند. همچنین تمامی مناظر می توانند تحت عنوان منظر میراثی نیز نامیده شوند، چراکه اگر دربرگیرنده هرگونه آثار انسانی باشند و یا نوعی از وابستگی یا ارتباط فرهنگی در آنها وجود داشته باشد، بخشی از میراث ما را تشکیل می دهند؛ البته در این زمینه می توان از میراث طبیعی نیز صحبت کرد. در واقع این نام گذاری به میزان ارزش های نهفته در هر منظر بستگی دارد. برخی از مناظر بیشتر طبیعی هستند تا فرهنگی، مانند قطب جنوب. در حالی که مناظر دیگری وجود دارد که بیشتر فرهنگی هستند تا طبیعی، مانند هنگ کنگ. به همین ترتیب، برخی حاوی ارزش های میراثی بیشتری از نظر تعداد، قدمت تاریخی و تعداد لایه های تاریخ بشر که در آنجا یافت شده هستند، مانند دره نیل نسبت به شمال آلاسکا. به همین دلیل عقیده دارم باید تنها در مورد «منظر» صحبت و این واژه را بر اساس شرایط توصیف کرد: «منظر تحت سلطه الگوها و فرایندهای طبیعی قرار دارد» یا «این منظر حاوی ارزش های میراثی قابل توجهی است». بدین ترتیب می توان توصیف درست تر و دقیقی تری از ویژگی های یک محل خاص داشت. علاوه بر این باید به این موضوع توجه داشت که در منظر، پایداری و تغییرناپذیری وجود ندارد. با درک این مسئله باید در زمینه مدیریت منظر از ارزش های هر دو مناظر فرهنگی و طبیعی حفاظت انجام پذیرد.

In my opinion all landscapes are cultural landscapes _ even the moon, which has had human activity and on which there are human remains. Thus it is pointless to separate cultural landscapes from natural landscapes. However, many landscapes contain greater or fewer amounts of natural or cultural elements and are affected by natural and cultural process to greater or lesser degrees. I think therefore that we should just talk about “landscape” and qualify this term depending on the circumstances “...a landscape dominated by natural patterns and processes...” or “...a landscape containing significant heritage values as a result of...”. In this way we can be more accurate in explaining the characteristic qualities of a particular place and noting that it is not static and changeless, soothing which needs to be understood in the context of landscape management and protection for either natural or cultural heritage values.



آیدا آل هاشمی، پژوهشگر دکتری معماری
منظر، دانشگاه تهران
ayda_alehashemi@yahoo.com

Ayda Ale Hashemi, Ph.D Candidate
in Landscape Architecture,
University of Tehran

بنا بر تعریف منظر، انسان هم در ساخت و هم ادراک منظر دخیل است و بدون دخالت فیزیکی و دید متفکرانه او منظر وجود ندارد. براساس این تعریف پرواضح است فرهنگ به عنوان بعد نرم افزاری تمدن بشری پایه اصلی در شکل گیری و تعریف منظر است (هر منظر با بیان کننده فرهنگ است و یا متأثر از فرهنگ ادراک و بیان مجدد می شود). در واقع ارزش های فرهنگی و بسترهای طبیعی در ترکیب با هم در درجات مختلف ابعاد متنوع زیباشناسی و سمبولیک مناظر را شکل می دهند. از ۱۹۹۲ سازمان یونسکو با هدف حفاظت از میراث های فرهنگی و طبیعی، میراث هایی از گذشته را که تعامل تاریخی فرهنگ بشر و طبیعت را نشان می دهد و اسنادی از شکل گیری تمدن های بشری در طول تاریخ هستند مورد حفاظت و ثبت قرار می دهد. با پیشرفت و توسعه مفهوم منظر امروزی ما دانیم همه مناظر منظر فرهنگی هستند. به این ترتیب به نظر می رسد واژه «منظر میراثی» - در زبان فرانسه «- le paysage patri monial» - که جای خود را در تعاریف علمی حوزه منظر نیز باز کرده است، به صورت مشخص تری می تواند گروهی از مناظر را که مورد نظر سازمان یونسکو و میراث تمدن بشر است، مورد توجه و اشاره قرار دهد: مناظری بیان کننده میراث تاریخی تمدن بشر که به صورتی کامل توانایی انتقال ارزش های سمبولیک و زیباشناسی شکل گیری تمدن بشر در تعامل با محیط طبیعی را به نسل آینده دارند. در غیر این صورت واژه منظر فرهنگی آنچنان که شما نیز آورده اید به صورت عام تمامی مناظر را دربر می گیرد.

Human role in the construction and perception of landscape shows that cultural values as a foundation in shaping landscape displays aesthetic and symbolic aspects of landscape combined with natural contexts. The term “heritage landscape” – “le paysage patrimonial” in French – can refer to a group of sights considered by UNESCO and heritage of human civilization, more specifically: landscapes representing historical heritage of human civilization which can thoroughly convey symbolic and aesthetic measures in shaping human civilization in his interaction with natural environment to the future generation.”



کن تیلور استاذ بازنشسته معماری
منظر، دانشگاه ملی استرالیا
k.taylor@anu.edu.au

Ken Taylor, Emirate Professor
of Landscape Architecture,
the Australian National University

این ادعا که منظر فرهنگی واژه‌ای است که تنها توسط سازمان‌های مرتبط با میراث فرهنگی برای توصیف اهمیت گونه‌های برجسته تمدن بشری به کار می‌رود، کاملاً اشتباه است. منظر فرهنگی واژه‌ای است که در ارتباط با منظر روزمره به کار می‌رود و گروه‌های سازمان میراث جهانی (UNESCO) به آن اشاره دارند.

واژگان "مناظر میراثی" و "مناظر فرهنگی" تبادل ناپذیرند و این صراحتاً اشتباه است که این دو واژه معادل یکدیگر و با عنوان منظر فرهنگی - میراثی به کار رود.

در طول ۲۵ سال گذشته، این ایده که مناظر فرهنگی - تاریخی در زمره کارهای حفاظت از میراث فرهنگی، ارزشمند محسوب شوند، شکل گرفت. این تجدید نظر به انتقادات مربوط به میراثی که تنها متمرکز بر یادمان‌ها و سایت‌های مشهور بود، پیوست. این رویکردانی از آن چیزی بود که «ریچارد انگلبرد» با وسواس خاصی از آن به عنوان تمرکز عالی بر سه شخصیت شاهزاده، کشیش و سیاستمدار به عنوان مردم می‌پردازد. از این رو، این مسئله به عنوان سؤالی در ذهن کسانی که ارزش‌های آنها در حفاظت از این میراث نهفته شده است، مطرح شد که این دسته همان دسته چهارمی هستند که در این مکان‌ها سکونت دارند.

در ارتباط با ایده منظر فرهنگی، این نکته حایز اهمیت است که یکی از نیازهای عمیق بشری، حس هویت، تعلق و دلبستگی به منظر است. مطالعات منظر فرهنگی نیز تصادفاً با سرمایه‌ای وسیع در جنبش‌های تاریخی عمومی دخیل است. منظر بازتاب‌کننده نحوه زندگی روزمره، ایدئولوژی‌هایی در راستای ساخت مکان‌ها و توالی یا ریتم زندگی انسان‌ها، حوادث و مکان‌ها در طول زمان است و همچنین موجب ایجاد حس وحدت و جاری بودن زمان می‌شود و بستری برای ایده‌هایی جامع‌تر نسبت به میراث فرهنگی و رای یادمان‌ها و مکان‌ها ایجاد می‌کند. طبق تعریف «کاسگروف»، منظر، آن چیزی نیست که مشاهده می‌شود، بلکه شیوه نظاره کردن است. منظر، یک محصول نیست، بلکه فرایندی است که بشر آن را می‌سازد. به این ترتیب منظر فرهنگی موجب بازتاب نظرات، ارزش‌ها، آرزوها و حتی ترس‌های پنهان ما در قالبی مرئی می‌شود.

منظر فرهنگی آگاهی بشر را در مورد مکان‌هایی که می‌سازد، بالا می‌برد. به طوری که متوجه می‌شود این مکان‌ها، جزایر منزوی و از هم گسسته نیستند بلکه دارای وابستگی‌هایی بین مردم، ساختار اجتماعی آنها و اکوسیستم‌ها و حفاظت از محیط پیرامون هستند. این آگاهی بر منظرهای فرهنگی شهری به طور خاص تحت پارادایم منظر تاریخی HUL متمرکز است و رویکردی به حفاظت تاریخی شهری است که به شهرها یا شهرک‌ها به عنوان مجموعه‌ای از لایه‌ها از جمله ایده منظر فرهنگی نگاه می‌کند. این رویکرد به شهرهای تاریخی صرفاً به عنوان یک شیء دیداری با تمرکز بر ساختمان‌ها یا گروهی از ساختمان‌های مشهور جدای از ملحقات فرهنگی آنها به یک سرمایه تاریخی - محیطی به عنوان فضایی برای تجربیات بشری و تشریفات می‌پردازد.



ژان بیتیست بینگ، استاد دپارتمان
جغرافیا، دانشگاه ژنو
Jean-Baptiste.Bing@unige.ch

Jean Baptiste Bing, Assistan Professor,
Department of Geography and
Environment, Geneva University

شالیزار آبیاری شده، منظر میراثی جاوا

هر منظر برآمده از نگاه انسان به محیط حاصل تعامل انسانی و محیط طبیعی است. بدین سان، منظر که محصول تعاملی دوطرفه است، وابسته به تفسیری است که همواره تجدید می‌شود. منظر، به عنوان بخشی از یک روند زودگذر دوگانه - زندگی فردی که در آن غرق شده، و تاریخ جامعه‌ای که آن را زاییده است - از عناصری با منشأ طبیعی یا مصنوعی تشکیل شده که هر یک جایگاه ویژه‌ای در خاطرات متقاطع تصرف می‌کنند.

یک نمونه: شالیزار آبیاری شده. این سیمای به ارث رسیده از تکنیک‌های قدیمی زراعی برای بهره‌وری زمین در جاوا و بالی، با استعمار داخلی فئودالیسم، جزیره‌های بزرگ مجمع‌الجزایر اندونزی را در طی قرن بیستم فراگرفت. این فرم نه تنها قلمرو را مشخص می‌کند، بلکه با خود یک تقویم کشاورزی که با آیین‌های کشاورزی مربوط به الهه برنج (Dewi Sri) مشخص شده را هم به همراه دارد. مثال جاوه حتی از تاریخچه مفهوم منظر در این منطقه - که تاریخچه‌ای پیچیده و آمیخته به میراث چین باستان، که بخشی از آن به هنگام مسلمان شدن جزیره (قرن ۱۶ تا ۲۰) فراموش شد، با مفهوم اروپایی زاییده مدرنیته - هم غنی تراست. بدین ترتیب «چهارراه جاوه» این دو مفهوم منظر را جذب کرده و تغییر داده تا به فرم و معنای آن تفسیری بومی ببخشد: آن را میراثی از آن خود کرده است. یک منظر جدید، همانند یک زبان نو، فردی را که در آن غوطه‌ور است تغییر می‌دهد. درک چگونگی مداخله انسان برای مسکون ساختن زمین، با توجه به هستی‌شناسی، تکنیک و ارزش‌ها، بسان یادگیری دستور زبان جدید منظرین و شناخت واژگان میراثی نیازمند زمان است. این‌گونه است که شالیزار آبیاری شده، فرم ناشناخته برای من، تا کستان‌هایی را به یاد من می‌آورد که از زمان‌های بسیار دور مشخصه روستاهای فرانسه بوده است ولی تنها زمانی به منظر و میراث ارتقا یافت که ون گوگ آنها را بازآفرینی کرد.

All landscape derives from a human perspective on the environment, itself co-constructed by human action and the natural environment. Fruit of a double trajectory, landscape and succession of constantly renewed interpretation. Part of a dual temporality - life of the individual that immerses them, history of the company that gave it birth - the landscape consists of natural or artificial elements that each occupy a special place in cross memories.



مهرداد سلطانی، دکتری معماری، عضو هیئت علمی دانشگاه زنجان
m_soltani@znu.ac.ir

Mehrdad Soltani, Ph.D in Architecture, University of Zanjan

برای روشن شدن این موضوع باید به تعبیر و تفسیری که از «فرهنگ» صورت می‌گیرد، رجوع کرد. تعبیر اینجانب از تمام تعاریفی که از مفهوم فرهنگ شده، عبارت است از برابند و حاصل تأثیر شرایط مکان و زمان بر ویژگی‌های موجودی به نام انسان. فرهنگ به خودی خود، امری «کلی» و «ذهنی» برای انسان است و تنها زمانی عینیت پیدا می‌کند که انسان دارای فرهنگ، اثری مبتنی بر فرهنگ خود در پدیده‌های جهان گذاشته باشد، که می‌تواند شامل رفتار، کردار و ساخته‌های دست او باشد. لذا وقتی پدیده‌ای را با صفت «فرهنگی» بیان می‌کنیم منظور ویژگی‌های پدیده مورد نظر، تا حد زیادی متأثر از فرهنگ پدیدآورنده خود است.

از سوی دیگر با در نظر گرفتن مؤلفه «زمان» و با توجه به تعبیری که شد، فرهنگ، حاصل انسان تأثیر گرفته از مکان است و منظر، مکانی متأثر از انسان. بنابراین اگرچه منظر منهای انسان وجود ندارد، ولی می‌توان مناظری را یافت که تنها حاصل تأثیرناگزیر و قهری انسان در بستر مکان و یا به عبارت دیگر نتیجه طبیعی حضور انسان در محیط نباشد، بلکه انسان پدیدآورنده مکان، اثری از تمام هستی و وجود خود، که شامل جنبه‌های ذهنی (فرهنگی) او می‌شود را نیز در بستر محیط به یادگار گذاشته باشد. لذا با توجه به این که منظر پدیده‌ای با ابعاد عینی. ذهنی است، «منظر فرهنگی» مفهومی نسبی بوده و بیان‌گر منظر است که انسان مداخله‌گر توانسته باشد سهم بیشتری از ویژگی‌های فرهنگی (و نه غریزی) خود را بر عینیت محیط و هم‌زمان ذهن مخاطبان آن به جا گذاشته باشد.

بنابراین می‌توان به تعبیری از «منظر فرهنگی» دست یافت که مناظر متأثر از آثار بزرگ تمدنی بشریت را مصادیقی از اوج این مفهوم قلمداد کرده و با برداشت‌هایی که در فرض مسئله از مفهوم منظر فرهنگی در سطوح جهانی شده است، قرابت معنایی قابل قبولی دارد.

Culture is a meaning that is embodied by behavior, actions, and products of man in which the results of human behavior and the impact of human intervention in a place can create a landscape. According to the relativity of the concept of "cultural landscape", this words both addresses the objective and subjective aspects of man's impact on the audience. "Therefore, one can achieve a definition of "cultural landscape" in which great landscapes works of civilization can be considered as examples of this concept, since this concept is acceptably close to the meaning of assumptions of cultural landscape in global level."

It is entirely wrong in the assertion that Cultural Landscape is a term used by organizations associated to cultural heritage in order to describe the significance of outstanding examples of human civilizations. CL is term used in relation to the ordinary everyday landscape as much as the UNESCO World Heritage categories to which you refer. The terms 'heritage landscapes' and 'cultural landscapes' are not interchangeable and certainly calling cultural landscapes heritage landscapes is wholly incorrect. Inextricably linked to a cultural concept of landscape is the understanding that one of our deepest needs is for a sense of identity and belonging and that a common denominator in this is human attachment to landscape and how we find identity in landscape and place. The cultural landscape concept is intended to increase awareness that heritage place's are not isolated islands and that there is interdependence between people, their social structures and ecosystems, and landscape conservation. This is an approach to historic urban conservation which sees towns and cities as consisting of layers as in the cultural landscape concept It marks ashift away from the preoccupation with the historic city as visual object with a focus on famous buildings or groups of building divorced from their cultural setting to an interest in the historic environment as a space for ritual and human experience.



آزاده شاهچراغی، دکتری معماری، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات
a.shahcheraghi@gmail.com

Azadeh ShahCheraghi, Ph.D in Architecture, Azad University

در نگاه نخست، مهم است بدانیم عبارت "منظر فرهنگی" در کدام پارادایم نظری پیشنهاد شده است. همان گونه که می‌دانیم واژگان به کار گرفته شده در هر پارادایم علمی، به لحاظ مفهومی و مصداقی قیاس‌ناپذیرند، یعنی یک واژه می‌تواند در یک پارادایم علمی یک معنی بدهد و همان واژه در پارادایمی دیگر معنی متمایزی داشته باشد.

بنابراین عبارت "منظر فرهنگی" از دید تئورسیسین‌هایی که فرهنگ کنونی را فرهنگی جهانی و یکدست می‌گمارند، پرسپولیس ایران، استون‌هنج انگلستان و نمونه‌های از این دست که برمبنای فرهنگ‌ها و باورهای گوناگون و در زمان و مکان‌های متفاوت و بی‌خبر از وجود هم، پدید آمده‌اند تحت تأثیر فرهنگ مشخص با مرزهای معین می‌داند و عبارت "منظر فرهنگی" برای آنها معنی‌دار است. زیرا اینان معتقدند فرهنگ کنونی جوامع در بسیاری از موارد، فرهنگی جهانی یا متأثر از فرهنگ "جهانی‌سازی شده" است. بنابراین آنچه اکنون تحت تأثیر این فرهنگ شکل می‌گیرد "منظر" است و آنچه در دوره‌های زمانی مشخص و مکان‌های تاریخی معین و تحت تأثیر فرهنگ‌هایی با حدود قابل تشخیص کالبد یافته، "منظر فرهنگی" است. اما در پارادایمی دیگر، اگر اهرام مصر را میراث بدانیم و به آن "منظر میراثی" اطلاق کنیم، از نظر اینجانب برخی جنبه‌های قابل بحث را به واسطه میراث‌دانستن آنها ناخواسته از مباحثه و آنالیز علمی خارج خواهیم کرد.

از سویی دیگر می‌دانیم ساماندهی محیط زندگی در دوران کهن، برمبنای حکمت (Wisdom) بوده است، اما امروزه برمبنای علم (Science) است. یک تفاوت عمده حکمت و علم در کلی‌نگری حکیمان و جزئی‌نگری عالمان است که هر یک ارزش جداگانه خود را دارد. حال سؤال اینجاست که آیا می‌توانیم از دریچه علم، آنچه (یا منظر) که در گذشته حکیمان بنا شده را دقیقاً بشناسیم یا بازآفرینیم؟

خیر نمی‌توانیم چون نیاز و ابزار ما متفاوت است و در دو پارادایم قیاس‌ناپذیریم. بر این اساس با احترام به نظر پیشنهاددهندگان گرامی، ضمن آنکه با لزوم جایگزینی عبارت مناسب‌تر به جای "منظر فرهنگی" موافقم. اما برای این جایگزینی عبارت "منظر کهن" (Ancient Landscape) که در بطن خود نه فقط "علم"، بلکه "حکمت" برپایی چنین منظر را دارد، پیشنهاد می‌کنم.

Applying the term "heritage landscape" to landscape which have been shaped limitedly in historic sites and periods will lead them outside the scope of scientific analysis. For this reason, what has been holistically shaped by wisdom cannot be understood by science. "Accordingly, while agreeing on applying the more appropriate term than "cultural landscape", I suggest "ancient landscape" which both implies "science" and "wisdom".



مهدی خاکزند، دکتری معماری، عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت
mkhakzand@iust.ac.ir

Mehdi KhakZand, Ph.D in Architecture, Iran University of Science and Technology

با دو نگاه کلی می‌توان پیرامون منظر فرهنگی سخن راند:

۱. نمادی از حضور انسان و تلاش وی برای تثبیت و ارتقاء محیط پیرامونیش؛ در این جایگاه، نگاهی عملکردی به منظر خواهیم داشت که هویتی را به آن باز می‌نماید و یک منظر را روستایی می‌کند و دیگری را شهری.

۲. با نگاهی به سنت و تاریخ و آنچه از دریچه‌ای دیگر هویت را برای مردم یک سرزمین به همراه خواهد داشت؛ در این حوزه بحث فرهنگ و آیین‌ها و تجلی زمان (به خصوص گذشته) در کالبد فضا از اهمیت زیادی برخوردار خواهد بود.

با این اوصاف اگر قرار باشد به اشتباه نیفتیم، نمی‌توان پذیرفت هر دو تعریف فوق در عبارت «منظر فرهنگی» جلوه‌گر شوند و عبارت «منظر میراثی» جایگزین مناسبی برای بیان و آرایه تعریف دوم خواهد بود.

اما منظر فرهنگی شهر تهران به نظر می‌رسد حداقل در لایه کالبدی و عینی این شهر، هیچ کدام از دو تفسیر و تعریف فوق نمی‌توانند به طور ویژه‌ای منظر فرهنگی شهر را ترسیم کنند. اما با تحلیلی ذهنی می‌توان نگاه دوم را که قطعاً در خاطرات جمعی مردم شهر نشسته، پیدا کرد. بی‌شک خواهیم پذیرفت آنچه برای کالبد این شهر پرافتخار و ستودنی است، بخش‌هایی از گذشته آن است که هویت آن را شکل داده و تا به امروز تلاش کرده بدون واسطه آن را حفظ کند. این نگاهی به سنت‌ها، آیین‌ها و بهتر بگوییم «فرهنگ» و تاریخ این شهر است که امروز در کالبدی زنگار گرفته، بازیچه هوسرانی معمارانی است که به عرصه تاخت و تاز راه یافته‌اند. پس آنچه می‌تواند در خصوص شهری چون تهران تبلور منظرین داشته باشد، نگاه میراثی به کالبد دارای ارزش آن است و آنچه ما آن را «تهران قدیم» می‌نامیم. هر چند می‌توان در خصوص حضور انسان و بعد عملکردی فضاها در این شهر (تفسیر نخست) نقدها و قلم‌فرسایی‌ها کرد اما به نظر نمی‌رسد بتواند راه افتخاری را برای تهران امروز باز کند که حتی نام «منظر فرهنگی» را بر آن نهیم.

Cultural landscape can be known a symbol of man's efforts to improve the surrounding environment and what identifies a territory based on culture, tradition and history. However, both definitions don't fit into the term "cultural landscape and "heritage landscape" would be a proper substitutive term to represent the second definition.



احمدعلی فرزین، دکتری معماری، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، عضو انجمن علمی معماری منظر
a.farzin@hotmail.com

Ahmad Ali Farzin, Ph.D in
Architectre, University of Tehran

منظر فرهنگی بخشی از منظر است که اشاره به رخدادهای سازنده و رو به رشد و تکاملی دارد که تمدن بشری را در طول تاریخ پدید آورده و تنها به واسطه انسان شکل گرفته است و سایر را شامل نمی‌شود، حتی اگر محصول فعالیت موجودات زنده‌ای غیر از انسان مانند منظر جزایر مرجانی باشد. منظر میراثی هرچند منظر فرهنگی را شامل می‌شود ولی نمی‌تواند فرهنگی نیز باشد، زیرا با تعریف فرهنگ، منظر فرهنگی، تمدن ساز و رو به تعالی و تکامل است در حالی که بسیاری از مناظر میراثی ویران‌گر و ضد بشری که در حوزه میراثی قرار دارند، افتخاری برای تمدن و فرهنگ انسان نیست.

واژه منظر تمام آن چیزی است که در گذر زمان و در ظرف مکان رویداده است؛ خواه با مداخله انسان باشد یا طبیعت، سازنده و رو به رشد و تکامل باشد (فرهنگی) یا ویران‌گر و ضد انسانی (میراثی)، روی زمینی باشد یا در آسمان! بدین‌گونه از این منظر تعریف اجلاس 2013 Uniscape جامع و کامل است و منظر فرهنگی و منظر میراثی نیز در حلقه کمند "منظر" می‌افتند.

در نتیجه اصطلاح منظر فرهنگی و منظر میراثی هرکدام در جای خود و به طور مشخص و عمده می‌تواند کاربرد درست خود را داشته باشد درحالی‌که گستره معنایی واژه "منظر" هرآنچه هست را دربر می‌گیرد.

Although "Heritage Landscape" embraces the concept of "Cultural Landscape" which has been shaped due to human presence and its tendency toward perfection, it cannot be categorized as cultural since it is anti humanistic and ruinous. Its definition in uniscape conference 2013 is comprehensive and assembled cultural landscape and heritage landscape in "Landscape". Therefore, the common notions if cultural landscape and heritage landscape can be majorly used in their correct place according to their application, while the semantic range of the word "landscape" comprises "whatever there is".



محمد شهین استاد بازنشسته معماری منظر، مدرسه معماری دهلی نو
mshaheer27@gmail.com

Mohammad Shahir, Emirate
Professor, School of Planning and
Architecture, New Delhi

عبارت "منظر فرهنگی" بر منظری دلالت دارد که از نیروهای فرهنگی شکل گرفته است و به طور کلی با دریافت‌های «کارل ساور» هماهنگی دارد. مفهوم منظر فرهنگی ریشه در جغرافیای فرهنگی دارد که عموماً در بین معماران و طراحان منظر در مواجهه با حوزه‌ها و مناطقی بوده که در آنها اثرات فرهنگی قابل مشاهده است. بنابراین منظر مانند روایتی است که با رجوع به فاکتورهای انسانی شکل دهنده آنها قرائت می‌شود. منظر فرهنگی چگونه قابل تشخیص است؟ در وهله اول تفاوت آن با سایر مناظر از این روست که مناظر دیگر توسط انسان و در نتیجه فرهنگ لمس نشده‌اند. این در حالی است که هیچ بخشی از سیاره زمین نیست که در نتیجه فعالیت انسان‌ها بکرو دست‌نخورده باشد. به کاربرد نام منظر فرهنگی برای یک نوع منظر مشخص بدون طرح این پرسش که چرا یک منظر فرهنگی است و دیگری نه، دشوار خواهد بود؛ چرا که همه مناظر به نوعی محصول فعالیت انسان‌ها هستند.

اما این در صورتی صحیح خواهد بود که معنای اصلی منظر فرهنگی در تعریف آن در نظر گرفته شود. امروزه مفهوم منظر فرهنگی فراتر از درک فرم فیزیکی منظر است و ارزش‌های آن را به عنوان میراث مدنظر قرار می‌دهد.

در رشته معماری منظر، مناظر فرهنگی معمولاً با ارزش‌های تاریخی شناسایی می‌شوند. منظر معاصر اغلب دارای ارزش‌های تاریخی نیست و بنابراین مناظر فرهنگی به حساب نمی‌آید. البته ممکن است به عنوان یک منظر با طراحی مناسب و دوستدار محیط زیست ارزش‌گذاری و تحسین شود اما به طور ویژه، فرهنگی به حساب نمی‌آیند. پس نادرست نیست بگوییم وقتی به عنوان طراحان و معماران منظر با منظر فرهنگی سروکار داریم درواقع با مناظری سروکار داریم که به عنوان میراثی از گذشته به ما رسیده‌اند. بنابراین در این زمینه خاص و محدود منظر میراثی به طور قطع اصطلاحی مناسب است.

The concept of cultural landscape stems from natural geography which has not been touched by man and culture in contrary to other landscapes which makes it difficult to distinguish since all landscapes are in some manner a product of human activity. Today, this concept goes beyond its physical aspect and it is known as a heritage and cultural asses due to its values. So it's not incorrect to say that when as physical planners or landscape architects we are dealing with 'cultural landscapes', we are dealing with landscapes that have come to us as a heritage from the past. So in this particular, restricted context, 'Heritage Landscape' is certainly a suitable term.



مهرداد کریمی مشاور، دکتری معماری،
عضو هیات علمی دانشگاه بوعلی سینا، همدان
mkmoshaver@yahoo.com

Mehrdad Karimi Moshaver, Ph.D in
Architecture, Bu-Ali Sina University

با توجه به اینکه واژه منظر در درون خود مفاهیم فرهنگی را نیز دارد، قاعدتاً صفت فرهنگی برای آن بی معنی است مگر اینکه بخواهیم تاکید کنیم که آنچه که به عنوان منظر فرهنگی از آن یاد می شود به این دلیل است که قابلیت فرهنگی این گونه مناظر دارای اهمیت بیشتری است. مشکلی که در رابطه با عبارت منظر فرهنگی وجود دارد این است که این عبارت به درک درست واژه "منظر" آسیب می زند چون که امکان دارد برخی واژه منظر را در این حالت به گونه ای تعبیر کنند که فاقد بار فرهنگی باشد و صرفاً منظر فرهنگی را حامل معنای فرهنگی بدانند. پیشنهاد منظر میراثی به جای منظر فرهنگی می تواند این مشکل را حل کند. زیرا واژه میراث که از ارث مشتق می شود به معنای هر آن چیزی است که جوامع از گذشتگان خود به ارث می برند. اما واژه میراث زمانی که برای منظر به صورت صفت استفاده شود در ترکیب با این واژه بهتر مشخص می شود که منظور از آنچه به ارث برده می شود ارزش های فرهنگی است و نه چیز دیگری، به همین دلیل شاید واژه میراث نتواند به تنهایی به جای میراث فرهنگی بکار رود ولی در ترکیب با منظر به صورت منظر میراثی می تواند کاملاً گویا باشد. به همین دلیل در صورتی که بخواهیم از میان "منظر فرهنگی" و "منظر میراثی" یکی را انتخاب کنیم به نظر منظر میراثی می تواند عبارت گویاتری باشد.

The defect in the compound word of "cultural landscape" is that it harms the landscape meaning which encompasses culture itself and it may seem that landscape exclude culture. If we consider the word heritage as what has been inherited from the past culture, it can be vivid combined by the word landscape in shape of heritage landscape despite its ability to be replaced for "cultural heritage". Therefore, in choosing between "cultural landscape" and "heritage landscape", the later would be a more rational term.



محسن کافی، دکتری علوم باغبانی و
فضای سبز، عضو هیئت علمی دانشگاه
تهران، عضو انجمن علمی معماری منظر
mkafi@ut.ac.ir

Mohsen Kafi, Ph.D in Gardening
Sciences and Green Space,
University of Tehran

با توجه به تجربه آکادمیک و اثبات وجود شبهه های فراوان در متخصصان و دانشجویان مرتبط و لزوم رفع ابهامات موجود با واژه میراث فرهنگی، به علت دربرگیری و جامعیت قابل قبول بر آثار تاریخی و فرهنگی به جامانده مشکلی ندارم، ولی در قیاس واژه منظر فرهنگی و منظر میراثی به علت وجود شفافیت و خروج از ورطه بلا تکلیفی ادبی و تفسیری، با واژه منظر میراثی موافقم. ضمن اینکه برای رفع ابهامات در تفسیر واژگان نزدیک به آن لازم است فرهنگستان ادب و فرهنگ ایران نسبت به کنکاش و تبلیغ آن اقدام کند.

According to the academic experience and existence of many doubts for professionals and students, the necessity to resolve ambiguities in terms of cultural heritage, due to the acceptable and the integrity of the historical and cultural monuments is essential in my opinion. However I agree on "heritage landscape" due to clarity in interpretation, literature and landscape. Moreover, it is on the part of Academy of literature and culture to explore and promote and resolve the ambiguities in the interpretation of word.



حشمت‌اله متدین، دکتری معماری،
دانشیار گروه معماری، دانشگاه تهران
motedayn@ut.ac.ir

Heshmatollah Motedayen, Ph.D in
Architecture, University of Tehran

لغت فرهنگ از دو کلمه "فر" و "هنگ" تشکیل شده و به معنای عروج، شکوه و عظمت است. این واژه اصیل ایرانی در حقیقت به معنای تعالی و رشد بوده و فردوسی جهت زنده کردن ادب و زبان فارسی در مقابل فرهنگ اعراب آن را مورد توجه قرار داده است (عجم زنده کردم بدین پارسی). این واژه دارای آنچنان بعد معنایی است که حتی مظهر قنات در مناطق اطراف کویر، جایی که آب نایاب است، "فرهنگ" نامیده می‌شود. امروزه اما این لغت بیشتر مجموعه‌ای از آداب، رسوم، عبادات و هنر را شامل می‌شود. در مفهوم جدید، فرهنگ به معنی سبک و الگوی زندگی است. تمدن به معنای شهرپذیری، محصول فرهنگ است و این محصولات، تمدن‌ها را می‌سازد. اگر لغت منظر فرهنگی به معنای محصولی انسان‌ساز در یک دوره تاریخی تلقی شود، دستاورد آن تمدن است؛ لذا محصول تمدن‌های گذشته متعلق به سرزمین و دوره خاص خود است. بدین‌گونه مظهر شناخت دوره و دارای ارزش خواهد بود.

اما اگر تمدن معاصر که به دنبال فرهنگ مدرنیسم شکل گرفته، مشمول این تعریف قرار گیرد، مفهومی فراسرزمینی پیدا می‌کند. از آنجاکه منظر میراثی نیز به همین‌گونه می‌تواند از یک سو میراث سرزمینی خاص و نشان‌دهنده هویت ملی باشد و از سوی دیگر شامل میراث جهانی شود، لذا ابهام سرزمینی و فراسرزمینی در این مفهوم نیز دیده می‌شود. در نتیجه با توجه به ابهام دوگانه هر دو لغت، به نظر می‌رسد لفظ میراث فرهنگی با نشان هویتی، استفاده بهتری در ادبیات منظر داشته باشد.

Culture originally attests to elegance and glory in Persian and implies lifestyle nowadays. Thus, cultural landscape as a man-made product suggests a civilization belonging to a particular time or period which explains a beyond-territory concept if this civilization relates to the contemporary and modern culture. "Since "heritage landscape" can also represent a national identity on the one hand, and include world heritage on the other, it's being territorial or beyond-territorial is ambiguous. Consequently, considering the double-sided ambiguity of the word, it seems that the term heritage identity will have a better use in landscape terminology."



برنارد لاسوس، مشاور منظر سازمان
مدیریت راه‌ها و جاده‌های فرانسه
Bernard.Lassus@bernard-lassus.com

Bernard Lassus, Landscape Designer
in Board of Directors of the Roads

منظر، یک «فرضیه دیدگاه» بنا بر پیشنهاد شما، امروزه استفاده از عبارت «منظر میراثی» به جای «منظر فرهنگی» بیشتر رایج است، زیرا منظر خود پدیده‌ای فرهنگی است، که مکان آن می‌تواند میراثی باشد.

این موضوع پایه و اساس شکل‌گیری دوره دکتری DEA (دیپلم مطالعات پیشرفته) «باغ، منظر، سرزمین» در دانشگاه لویلت پاریس و مدرسه عالی علوم اجتماعی بود. نگاهی به دیسیپلین‌های گوناگون در برنامه درسی این دوره آموزشی که مسئولیت آن برعهده من بود، روشن می‌کند که چطور این برنامه راه را برای گونه‌ای از آموزش به متخصصان یا محققانی که قصد مداخله بر «منظر» به عنوان «میراث» و یا با هدف «میراثی» دارند، باز می‌کند. این پروژه آموزشی سبب دست‌یابی به جنبشی دوسویه شد که از طرفی توسط تحولات محیط و از سویی دیگر توسط تحولات جامعه که دائماً ارزیابی از محیط را تغییر می‌دهند، تحریک می‌شد. بخشی از دانش‌ها و فن‌ها نیز هنوز این جنبش دوسویه را بازتاب می‌دهند و بنا بر دوره زمانی و فرهنگ، سعی در حل مشکلات مداخله و توسعه‌ای که از این جنبش دوسویه ناشی شده دارند. دوره‌های آموزشی متنوع DEA با هدف بررسی این موضوعات در زمینه‌های تاریخی و جغرافیایی، فلسفی، باستان‌شناسانه، جامعه‌شناسانه، زیبایی‌شناسانه و زیست‌محیطی برگزار می‌شد.

این دوره‌ها توسط گروهی از اساتید و پژوهشگرانی پیشنهاد و تنظیم شده‌اند که بیش از یک دهه در این زمینه تفکر و تحقیق کردند و از پیش راه و روشی هماهنگ بنا نهاده‌اند. و این منجر به شکل‌گیری یک تیم آموزش و پژوهش برای تجهیز دانشجویان به ابزارهای ضروری برای حرفه‌ی منظر شد: چه منظری برای آینده؟

It is now obvious to use the notion of "Landscape Patrimonial (heritage landscape)" instead of "Cultural Landscape" as the cultural landscape is, and if there is, a historic place. This was the basis and purpose of creation of Doctoral training called DEA at the Paris La Villette Architecture School and preceded the finding of a double movement generated on the one hand by the transformations of the environment and on the other those of society that change constantly assessing this environment.

Heritage Landscape instead of Cultural Landscape?



محمدرضا مثنوی، دکتری معماری، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، عضو انجمن علمی معماری منظر
masnavim@ut.ac.ir

Mohammad Reza Masnavi, Ph.D in Architecture, University of Tehran

Cultural landscape is a term used by organizations associated to cultural heritage in order to describe the significance of outstanding examples of human civilizations. "Being a result of human evolution within the environment throughout history" is the most influential stated part in one of widely accepted definition for cultural landscape.

Moreover, considering the final outcome of the conference organized by Uniscape 2013 "landscape is discipline". In addition, according to European landscape convention landscape is a part of a land, as perceived by local people or visitors, which evolves throughout time as a result of being acted upon by natural forces and human beings. It is clear the terms Landscape and cultural landscape cannot be used for the single phenomenon.

Considering the word "culture" as an adjective for landscape and regarding the argument that no landscape is unassociated to human activities and values, this particular adjective cannot define any type of landscape according to landscape since every landscape is a cultural landscape.

Analysis of different examples of cultural landscapes reveals that users of the term cultural landscape address outstanding examples of human civilization; rice Paddy – terraced farming in Indonesia, the great wall of China, pyramids of Egypt, Perspolice in Iran and Stonehenge of England which are recognized as important cultural landscape for their being world significant heritages.

Accordingly it is better to use the term "Heritage Landscape" instead of "Cultural Landscape".

The suggestion for situation of heritage landscape was offered to a group of experts within the field of landscape. A number of Iranian and foreign scholars and experts have responded to these challenges. The abstracts are as following:

میراث یعنی آنچه از گذشته به ما رسیده یا باقیمانده است. این میراث می تواند به صورت طبیعی نظیر کوه‌ها، جنگل و دریا، تلفیقی از امتزاج اندیشه‌های فلسفی، هنری، ادبی، مواد و مصالح تولید شده و ابزارها و تکنیک‌های وضع شده در هر زمان توسط انسان باشد. منظر نوع اول را منظر طبیعی گوئیم زیرا حاصل فرایندهای طبیعی یا انسانی و کنش و واکنش‌های عوامل متشکله آن در طول زمان است. منظر دوم منظر فرهنگی است چرا که حاصل تعاملات انسان با محیط طبیعی و مداخله او در طبیعت است. دخالت‌های انسان به منظور تجلی بخشی به اندیشه‌ها باورها، رفتارها، علایق، سلیقه‌ها و داستان زندگی اوست که در مجموع فرهنگ هر دوره را می‌سازد. واژه میراث بسیار عام است: هم می‌تواند کالا و سرمایه (نظیر طلا، جواهر، گنج، پول) و هم میتواند فرهنگی نظیر صندوق جواهرات و نوع طراحی و هنر و مفاهیم به کار رفته در ساخت آن باشد و یا آثار هنری، معماری، بناها، پل‌ها و سیستم‌های آبیاری و ماشین‌آلات فنی را دربر گیرد. در انگلیسی به نوع اول Legacy و به نوع دوم Heritage گویند. به همین جهت برای میراث فرهنگی نیز از واژه Cultural Heritage استفاده می‌شود. اما در فارسی به هر دو (چه خانه و چه مال) میراث گفته می‌شود. اگرچه در موارد اندک واژه ماترک نیز به کار می‌رود ولی غلبه با واژه میراث است. بنابراین از آنجا که اصطلاح "منظر میراثی" در فارسی ابهام‌برانگیز است، مناسب نیست و همان واژه "منظر فرهنگی" که بیان‌گر آداب، رسوم، تکنیک‌ها، ابزار و شیوه‌های مداخله انسان برای بهبود زندگی خویش در طول تاریخ بوده رساتر و گویاتر است.

Natural landscape is the result of natural processes over time and cultural landscape is the result of human interaction with the natural environment and intervention in nature. The generality of the word heritage in Persian which is used for commodity and legacy as well as heritage values leads to ambiguity of the term "heritage landscape". "Thus the term "cultural landscape" that reflects the customs, traditions, techniques, tools and and intervention practices of human in improving their lives throughout history is more expressive and more rational."

بی‌نوشت

۱. از بیانیه پایانی همایش اتحادیه دانشگاه‌های اروپایی منظر (Uniscape) که از ۱۲ تا ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۲ در پاریس و تحت عنوان "منظر و خلاقیت" برگزار شد.
۲. برگرفته از تعریف کنوانسیون منظر اروپا ۱۳۷۹.